

آموزش و پرورش لزوم مقدمه دانشگاه نیست

حیدر تورانی

تاریخ ارتباط کار با آموزش تقریباً به چهارهزار سال قبل بازمی‌گردد و ابتدایی‌ترین نوع آموزش و پرورش حرفه‌ای به شکل کارآموزی اتفاق افتاد (خلاق، ۱۳۸۴). اما ایده ارتباط تعلیم و تربیت و برنامه درسی مدارس با کار، به منظور تربیت جوانان برای اشتغال، از بعد دوره رنسانس و به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی در اروپا شکل گرفت. کمینوس (۱۵۲۹ - ۱۶۷۰) معتقد بود، آموزش و پرورش از یک سو باید دانش‌آموزان را برای رفتن به دوره‌های بالاتر آماده کند و از سوی دیگر برای وارد شدن به جامعه و زندگی عملی. لذا آموزش و پرورش باید به‌گونه‌ای باشد که اگر دانش‌آموزی نخواست و یا نتوانست به دوره‌های بعدی وارد شود، بتواند با آن چه در مدرسه فرا گرفته است به‌خوبی زندگی کند. نظریه‌پردازانی همچون ژان ژاک روسو، جان لاک، پستالوزی در اروپا و دیویی در آمریکا به تقویت ایده ارتباط کار با آموزش پرداختند (ایساکسون، ۱۹۸۲).

در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مشخص شد که مانع اصلی بر سر راه توسعه کشورهای فقید نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار به‌ویژه در سطوح میانی است (ویلسون ۱۹۹۴)، که به دنبال آن تأسیس مدارس حرفه‌ای در دستور بازار کار کشورها قرار گرفت. تجارب کشورهایی همچون چین، آلمان، انگلیس و کره جنوبی نشان می‌دهد که این کشورها بخش اعظم دانش‌آموزان دوره متوسطه خود را به ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای هدایت نموده و سهم مهمی از رشد و توسعه اقتصادی خود را حاصل تربیت نیروی انسانی در

تا زمانی که والدین از کودکی فرزندشان آرزو می‌کنند او فقط دکتر و مهندس شود و از ابراز علاقه به هر شغل دیگری از سوی کودک، ناراضی و بیمناک می‌شوند. اوضاع چندان تغییر نخواهد کرد

ما صرفاً دوست دارند در دانشگاه‌ها ادامه تحصیل دهند و پس از کسب مدرک (نه کسب صلاحیت و حرفه)، پشت میز ادارات جاخوش کنند. آن‌ها کار کردن در زیر آسمان را دوست ندارند و از آفتاب و سرما و گرد و خاک متواری‌اند. در این میان، خانواده‌ها نیز متأسفانه بی‌نقش و بی‌تأثیر نیستند. تا زمانی که والدین از کودکی فرزندشان آرزو می‌کنند او فقط دکتر و مهندس شود و از ابراز علاقه به هر شغل دیگری از سوی کودک، ناراضی و بیمناک می‌شوند. اوضاع چندان تغییر نخواهد کرد.

بنابراین، لازم است همه، به ویژه دستگاه تعلیم و تربیت کشور، به اجرایی شدن این توصیه‌ی مقام معظم رهبری که «آموزش و پرورش لزوماً مقدمه دانشگاه نیست»^۱ اهتمام ورزند و در کارها و برنامه‌های اجرایی طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش توسعه و رونق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و مفاهیم و معانی آن را از اولین سال‌های آموزش‌های عمومی مورد تأکید و مورد توجه قرار دهند تا از این طریق کار کردن و حرفه‌آموزی ارزش تلقی شده و به بخش مهمی از تنگنای توسعه و اشتغال نیروی انسانی پاسخ داده شود.

پی‌نوشت

۱. بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب، رجوع شود به ص ۲ جلد هفتمین شماره.

منابع

۱. خالقی، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، تحلیلی بر ارتباط دوجانبه آموزش با محیط کار، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، شماره ۱.
2. Issakson (1982), UNESCO Prospects, quarterly review of Education, vol.12, NO. 4.
3. Wilson, (1994), Technician Training, The Encyclopedia of education, 2th.
۴. دفتر کارشناسی، ۱۳۸۹، چین ۷۵٪، آلمان ۶۹٪، انگلیس ۶۵٪، کره جنوبی ۵۵٪، و ایران ۲۰٪، دانش آموزان دوره متوسطه خود را در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای سامان داده‌اند

این بخش می‌دانند (دفتر کارشناسی، ۱۳۸۹). مطابق با یافته‌های پژوهشی موجود، آموزش و پرورش به تنهایی قادر به برنامه‌ریزی و اجرای با کیفیت و مورد انتظار در این بخش نیست و سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و کارشناسان از عوامل مهم در عدم موفقیت را کمبود مشارکت درون و برون سازمانی می‌دانند.

در ایران نیز با توجه به وضعیت اشتغال و نیازهای کشورهای بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات به نیروی انسانی ماهر و توانمند، اقدام به تأسیس و توسعه مدارس فنی و حرفه‌ای و کار دانش بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در برنامه‌های مختلف توسعه کشور و سایر اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ نیز به توسعه کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تأکید فراوان شده است. بنابراین ارتقای کارایی آموزش‌های مهارتی به‌ویژه کاردانش، وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش و پرورش را بهبود خواهد بخشید و علاوه بر آن به تقویت نیروی انسانی، بازار کار و اصلاح هرم نیروی انسانی شاغل در بازار کار ایران خواهد انجامید که از مسائل جامعه ایران در زمان حال و آینده محسوب می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کارورزی به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند وارد دانشگاه‌ها شوند، بسیار مفید است لکن در حال حاضر از وضعیت مناسبی به‌ویژه در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش که بر همین اساس و فلسفه شکل گرفته‌اند برخوردار نبوده و با دشواری‌ها و تنگنای زیادی مواجه است. لذا دانش‌آموزان ما باید مسابقه بی‌هدف و غیر اثربخش برای رفتن به دانشگاه‌ها را کنار گذاشته و تربیت حرفه‌ای شده و به عنوان کارگران و حرفه‌آموزان ماهر به بدنه کار کشور متصل شوند. کار کردن به عنوان یک ارزش اجتماعی سرلوحه باورها و آموزش‌های اجتماعی افراد خانواده‌ها و جامعه تلقی شود، تا بخش زیادی از جوانان وارد عرصه کار شده و بسیاری از شغل‌هایی را که اکنون کارگران خارجی در ایران عهده‌دار آن هستند، تصاحب کنند. جوانان برای کار و حرفه فی‌نفسه ارزش قایل شده و آن را باور کنند. چرا که امروزه بسیاری از جوانان